

بررسی ارتباط میان امنیت، دلبستگی به مکان با مولفه‌های اقتصادی شهر مطالعه موردی: شهر قم

ابراهیم زرینی^۱ و محسن کاملی^۲
تاریخ وصول: ۱۳۹۵/۱۰/۱۵، تاریخ تایید: ۱۳۹۶/۲/۲۰

چکیده

هدف مقاله حاضر بررسی ارتباط امنیت، دلبستگی به مکان با مولفه‌های اقتصادی شهر است. استراتژی تحقیق از نوع همبستگی مبتنی بر تحلیل محتوا بوده و به منظور جمع‌آوری داده‌های حاصل از مطالعات میدانی از فن پرسشنامه استفاده شده است. همچنین جامعه آماری تحقیق شهر قم می‌باشد.

نتایج تحلیل مسیر نشان می‌دهد که امنیت بر اقتصاد شهری اثر مستقیم و غیرمستقیم دارد. بین دلبستگی به مکان و اقتصاد شهری رابطه مستقیم وجود دارد. همچنین میان امنیت و دلبستگی به مکان رابطه مستقیم وجود داشته و ۲۵ درصد واریانس راهبردهای دلبستگی به مکان را پیش‌بینی می‌کند. یافته‌های دیگر تحقیق حاکی از آن دارد که در میان مولفه‌های سنجیده شده تأثیرگذارترین مولفه امنیت، کیفیات بصری (۰.۹۸)؛ دلبستگی به مکان، زمان (۰.۸۰)؛ و اقتصاد شهری، حمل و نقل و دسترسی (۰.۶۴) می‌باشد.

کلیدواژگان: امنیت، دلبستگی به مکان، اقتصاد، قم.

۱. عضو هیأت علمی (مریی) گروه اقتصاد دانشگاه پیام نور، نویسنده مسئول، e.zarrini@pnu.ac.ir
۲. باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران، Kameli@qom-iau.ac.ir

مقدمه

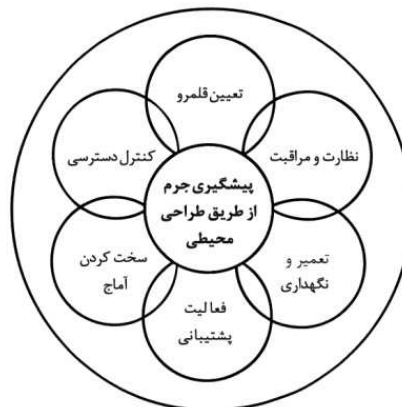
فضاهای شهری علاوه بر اینکه بیشترین ارتباط را با شهروندان و محیط زندگیشان دارند، نقش بسزایی در هویت بخشی، دل‌بستگی و اقتصاد شهری ایفا می‌نمایند. با در نظر گرفتن این موارد افزایش سطح کیفیت زندگی شهری شهروندان بوجود خواهد آمد که به دنبال آن افزایش امید به زندگی افراد رقم خواهد خورد (مویدی و همکاران، ۱۳۹۲، ۱۶۰). احساس امنیت، تلقی انسان‌ها از وضعیتی است که در آن تصور می‌شود تهدیدی متوجه جان، مال و ارزش‌های آنها نیست و یا حداقل اگر هم چنین تهدیدی وجود دارد، قابل کنترل است (حسینی، ۱۳۹۴، ۳۵). امنیت فضاهای شهری نقش به‌سزایی در ارتقاء سطح رفاه اجتماعی شهروندان دارد. وقوع جرائم از نظر مکان، زمان و نحوه شکل‌گیری همیشه تصادفی نیست، بلکه اغلب به ساختار و ویژگی‌های محل جرم بستگی دارد. جرائم معمولاً در اماکنی روی می‌دهند که مجرمان بتوانند با توجه به مزایا و معایب و خطرهای موجود قربانیان مناسبی پیدا کرده و یا به اهداف ارزشمندی دست یابند (حسینی و کاملی، ۱۳۹۲، ۹۶). احساس امنیت بُعد ذهنی امنیت تلقی شده و عواملی که باعث شکل‌گیری ناامنی می‌شوند، الزاماً همان‌هایی نیستند که به نگرانی و احساس ناامنی می‌انجامد و این عوامل همپوشانی کامل ندارند (کاملی و بذرگری، ۱۳۹۴، ۳۸). در فضاهایی که فعالیت اقتصادی در آن صورت می‌گیرد اگر مجرمان بتوانند به راحتی به فعالیت خود پردازند، آن فضا به جهت عدم امنیت رفته‌رفته از رونق اقتصادی خواهد افتاد. وجود فضاهای شهری بی‌انگیزه، کسالت‌آور، بی‌کیفیت، غیرانسانی و بی‌معنی که هم‌چنان با لجاجت راه خویش را ادامه می‌دهد از مشخصه‌های شهرهای امروزی است (سجاذزاده، ۱۳۹۲، ۸۰). دل‌بستگی به یک مکان ضمن آنکه منشعب از تجربه‌ها، رفتارها و سازمان اجتماعی و احساسی افراد است، محرک انگیزه‌های رفتاری افراد نیز بوده و هدفمندی رفتاری را برقرار می‌سازد، لذا فرد با رفتارها و کنش‌های خود در فضا، سعی در توجه و مراقبت بیشتر از آن خواهد داشت. دل‌بستگی به مکان مبنای نحوه ارتباط و تعامل عاطفی مثبت انسان با فضاست و به واسطه خصوصیات فردی، جمعی، فرهنگی و اجتماعی ایجاد می‌شود (Altman & Low, 1992:5). برقراری این تعامل عاطفی، موجبات پیوند انسان با فضا و معنابخشی به فضا را فراهم می‌سازد (Rubinstein & Parmelee, 1992:139) و باعث علاقه بیشتر به مکان می‌شود (Bonaiuto, et al, 1999:332). هم‌چنین دل‌بستگی به مکان با تاثیر و تاثر متقابل کنش‌ها، اعتقادات، احساسات و آگاهی با مکان مرتبط است (Proshansky, Fabian & Kaminoff, 1983:59)، به همین سبب پرواضح است فضایی که دل‌بستگی مکانی بیشتری داشته باشد افراد در آن بیشتر حضور داشته و به طبع آن اگر فعالیت اقتصادی در آن صورت گیرد، موجب رونق اقتصادی آن نیز می‌گردد. با توجه به اینکه در تحقیقات انجام شده بیشتر بر رابطه جداگانه متغیرهای امنیت و دل‌بستگی بر اقتصاد شهری تاکید شده است بنابراین بررسی روابط متغیرهای مذکور در قالب یک مدل منسجم ضروری به نظر می‌رسد. به همین سبب هدف این مقاله بررسی ارتباط امنیت، دل‌بستگی به مکان با مولفه‌های اقتصادی شهر است. به صورتی که با توجه به هدف فوق، فرضیه‌های تحقیق به این صورت مطرح می‌گردد که به نظر می‌رسد امنیت به صورت مستقیم و غیرمستقیم با میانجی دل‌بستگی به مکان بر اقتصاد شهری تاثیر می‌گذارد. هم‌چنین فرض می‌شود که دل‌بستگی به مکان اثر مستقیم با اقتصاد شهری دارد. هم‌چنین امنیت نیز بر دل‌بستگی به مکان اثر مستقیم دارد.

مبانی نظری

• امنیت

بر اساس تئوری نیازها در هرم مازلو در ۱۹۶۸، امنیت یکی از نیازهای ضروری و پایه‌ای، برای تعالی انسان تلقی می‌شود (الیاس‌زاده مقدم و ضابطیان، ۱۳۸۹، ۴۴). امنیت مفهومی است که دارای دو بُعد ذهنی و عینی می‌باشد. از بُعد عینی، امنیت به معنای ایجاد شرایط و موقعیت ایمن برای حفاظت و گسترش ارزش‌های اصولی و حیات ملی است. از بُعد ذهنی، امنیت به معنای احساس امنیت است. امنیت از بُعد ذهنی ارتباط مستقیم با ذهنیت و ادراک مردم و دولت آسیب‌پذیری و تهدیدات امنیتی دارد (نظری، ۱۳۸۹، ۳۹).

گفته می‌شود که جرم یکی از مسائل اصلی تهدیدکننده کیفیت زندگی شهری است، به همین دلیل افراد از مکان‌هایی که توأم با خطر شخصی و جانی است دوری می‌جویند (Blobsaum&Hunecke, 2005, 465). در این میان پیشگیری جرم از طریق طراحی محیطی بر این فرض استوار است که با طراحی صحیح محیط می‌توان علاوه بر بهبود کیفیت زندگی، از میزان جرائم نیز کاست (Park, 2010, 23). ایده اصلی تاثیر فضاها در خشونت و پیشگیری از خشونت از طریق تغییر محیط، برای نخستین بار از سوی نیومن و جیکوبز شکل گرفت. کل هدف این ایده، کنترل جرم قبل از کنترل مجرم بود (ایزدی و حقی، ۱۳۹۴، ۹). چشمان محققان بر روی فضاهای فیزیکی متمرکز بود و رابطه فضا با جرم سوال اصلی بوده است (Timothy, 2006, 174). به عبارت دیگر، اگر محیط به نحوی طراحی شود که بتواند موجب بهبود نظارت افراد شده، تعلق ساکنان آن را به قلمرو خود بالا برده و تصویری مثبت از فضا ایجاد کند، فرصت‌های مجرمانه کاهش خواهد یافت و مجرمان از ارتکاب جرم باز خواهند ماند (Cozens et al, 2005, 328).



شکل ۱. مولفه‌های پیشگیری جرم از طریق طراحی محیطی، ماخذ: کوزنز، ۱۳۹۵، ۴۶.

• احساس امنیت در فضای شهری

اساسی‌ترین نیاز انسان به عنوان یک موجود اجتماعی، تعامل و کنش متقابل با هم‌نوعان خود است که به فضایی برای تبلور و نمود احتیاج دارد. روابط اجتماعی در فضا و زمان اتفاق می‌افتد، بنابراین فضا مجموعه‌ای از روابط اجتماعی را دربرمی‌گیرد. به این ترتیب زندگی اجتماعی در فضا واقع شده و توسط آن محدود می‌گردد (طالبی، ۱۳۸۳، ۶۲).

یک فضا برای ساکنانش باید از یک هویت و از یک ساختار برخوردار باشد. شهر برای ساکنانش در ارتباط با راه، حدود، گره، نشانه، لبه در محله‌هایش ادراک می‌شود (فیالکون، ۱۳۸۲، ۱۶).

فضای شهری مناسب تا حد زیادی تأمین‌کننده امنیت به‌عنوان نیاز اساسی انسان است و فضای شهری نامناسب از بین برنده آن و زمینه‌ساز انواع آسیب‌ها و معضلات اجتماعی می‌باشد. فضاهای نامناسب شهری، فضاهای بی‌دفاع، محله‌های نامن، کانون‌های پرتراکم با نظارت کم و مکان‌هایی با کاربری‌های خاص از عوامل تهدیدکننده امنیت شهری و اجتماعی هستند. نظم و امنیت از نیازهای اولیه و حیاتی مهم شهروندان در شهر می‌باشد، در واقع اساس زندگی شهری بر این دو محور قرار دارد. برخی از فضاهای شهری هستند که زمینه را برای برهم خوردن نظم و امنیت فراهم می‌کنند. فضا و جرم رابطه‌ای نزدیک با هم دارند. بنابراین شناخت این فضاها و تأثیر آن در کاهش امنیت و برهم خوردن نظم شهری از نکات بسیار مهمی است که طراحان و برنامه‌ریزان شهری در مدیریت شهرها باید به آن‌ها توجه ویژه‌ای داشته باشند. گفته می‌شود که جرم یکی از مسایل اصلی تهدیدکننده کیفیت زندگی شهری است به همین دلیل افراد از مکان‌هایی که توأم با خطر شخصی و جانی است دوری می‌جویند. عواملی که امنیت شهری را از بین می‌برند و موجب تهدید یا کاهش امنیت شهرهای بزرگ می‌شوند، بسیارند و برخی فضاهای شهری یکی از عوامل اصلی تهدیدکننده امنیت شهرها هستند، این فضاها معمولاً از دید محفوظ هستند به همین خاطر فضاهای دنج و مطمئنی برای فعالیت‌های غیرمجاز و ناهنجار محسوب می‌شوند (Dan Fleisher, 1996, 38). زیرپله‌های شهری، داخل زیرگذرها، پل‌های هوایی، زمین‌های فرورفته و گودها و... مواردی از فضاهای بدون دفاع در شهرها هستند. این فضاهای بدون دفاع یا غیرقابل دفاع شهری زمینه را برای کجروی در شهر فراهم می‌کند. برخی از ساخت‌وسازهای برنامه و خارج از ضوابط موجب شده است تا در پی آن در شهرها فضاهایی ایجاد شود که امکان هر گونه عمل مجرمانه و مخالف با ارزش‌ها و هنجاری‌های اجتماعی در آن‌ها مهیا شده و در برابر وقوع بزهکاری و جرم‌خیزی کاملاً بی‌دفاع باشد. ایجاد فضاهای قابل دفاع یک‌منظور اجتماعی دارد و آن این است که ساختار کالبدی مناطق شهری به‌گونه‌ای باشند که مراقب و کنترل سطوح اطراف دانه‌ها و بلوک‌های شهری با کاربری‌های مختلف را به انجام برساند که منظور از سطوح اطراف دانه‌ها، خیابان‌ها و زمین‌های اطراف ساختمان‌ها و کریدورها و راهروها و پله‌ها و فضاهای ارتباطی دیگر را شامل می‌گردد و مردم را قادر می‌سازد که از فضاهای در اختیار خود در شهر به‌نحو مطلوب استفاده نموده و از یک زندگی حقیقی و باارزش بهره‌مند شوند. فضاهای قابل دفاع بدون دخالت یک سیستم دولتی و پلیسی به‌خودی خود آرامش و امنیت را به همراه دارد و امنیت در این فضاها تکیه بر نفس این فضاها خواهد داشت، به نحوی که باعث کاهش جرایم و دوری از جرایم شهری می‌گردد (حشمتی، ۱۳۸۲، ۴).

• دل‌بستگی به مکان

محیط کالبدی و تأثیرات آن در زندگی روزمره مردم از مسائلی است که در سال‌های اخیر از طرف متخصصین بسیاری مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است (Canter, 1997; Cooper, 1974). مکان‌ها دارای مقیاس متفاوت بوده و مکانی که ما دل‌بستگی خاطر بیشتری به آن داریم، ممکن است اتاقمان، خانه‌مان، آپارتمانمان، محله، شهر یا

کشورمان باشد (Jordan, 1996). بنابراین حس دل‌بستگی و تعلق خاطر ترکیبی پیچیده از معانی، نمادها و کیفیت‌های محیطی است که شخص یا گروه به صورت خودآگاه یا ناخودآگاه از یک مکان خاص ادراک می‌کند. این معنا که عمدتاً بر پایه ارتباط عاطفی فرد با محیط قرار دارد، در طراحی به صورت نمود کالبدی خود را نمایان می‌سازد (جوان فروزنده و مطلبی، ۱۳۹۰:۳۰).

به‌طور کلی مکان فضایی است که طی یک فرایند فرهنگی، فردی و گروهی معنا دار می‌شود (Low & Altman, 1992, 168). در واقع افراد بر اساس تجارب، ارتباطات اجتماعی، احساسات و افکار خود در بستر کالبدی فضا به آن مفهوم مکان می‌بخشند (Stedman, 2003, 72). در عین حال شکل‌گیری مکان، فرایندی اجتماعی و برگرفته از ارتباطات اجتماعی و فعالیت‌های درون آن نیز می‌باشد (حیدری و همکاران، ۱۳۹۳، ۱۷). بنابراین با توجه به آنکه معانی، اجزا و فعالیت‌ها در مکان کالبدی تجسم می‌یابند و بوسیله شناخت انسان خلق می‌شوند، درک اینکه چگونه چنین معانی‌ای برای افراد ایجاد می‌گردد، حایز اهمیت است (Relph, 1976, 50).

دل‌بستگی به مکان، رابطه نمادین ایجاد شده توسط افراد نسبت به مکان است که معنای احساسی، عاطفی و فرهنگی مشترکی به یک فضای خاص می‌دهد و مبنایی برای درک فرد و گروه نسبت به محیط است (Low & Altman, 1992, 5). دل‌بستگی به مکان یک بعد از کلیت حس مکان و وابستگی عاطفی مثبت است که بین فرد و مکان توسعه می‌یابد (Stedman, 2003, 72) و نتیجه اعتقادات و احساسات مثبتی است که فرد در فرایند تعامل با مکان و معنابخشی به آن خلق می‌کند (Rubinstein & Par Melee, 1992, 39). بین میزان دل‌بستگی فرد به مکان و توجه او به مکان، ارتباطی مستقیم وجود دارد. این امر متأثر از مجموعه فعالیت‌ها و تعاملات بین انسان - مکان و انسان - انسان در یک مکان خاص است (Ralph, 1976 & Low & Altman, 1992). دل‌بستگی به مکان به واسطه علاقه، شناخت و تجربه فرد نسبت به مکان و بر اساس ویژگی‌های فردی، گروهی و فرهنگی مختلف و ارتباطات اجتماعی بین آنها ساخته می‌شود (Low & Altman, 1992, 5). در واقع این امر بر اساس تعامل شناختی، عاطفی و رفتاری بین افراد، گروه‌ها و مکان کالبدی - اجتماعی به صورتی آگاهانه و یا ناآگاهانه و در طول زمان شکل می‌گیرد (Riley, 1992, 17).

دل‌بستگی به مکان عموماً پس از آنکه افراد تجربه‌ای درازمدت در یک مکان دارند، اتفاق می‌افتد و در این فرایند، مکان معنای وسیعی به فرد می‌یابد (Tuan, 1979; Kaplan, 1995, 172). در این رابطه توان، بر وجود عاملی به عنوان ریشه داری در مکان اشاره دارد که به معنای همبستگی و یکی شدن فرد با مکان است (Tuan, 1980, 6). ریلی در پژوهش خود دریافت که دل‌بستگی به مکان برخاسته از خاطرات دوران رشد فرد است. او بر این عقیده است که انسان مکانی را بیشتر به یاد می‌آورد که وقایع مطلوبی را در آن تجربه کرده است (Riley, 1992, 19).

• اقتصاد شهری

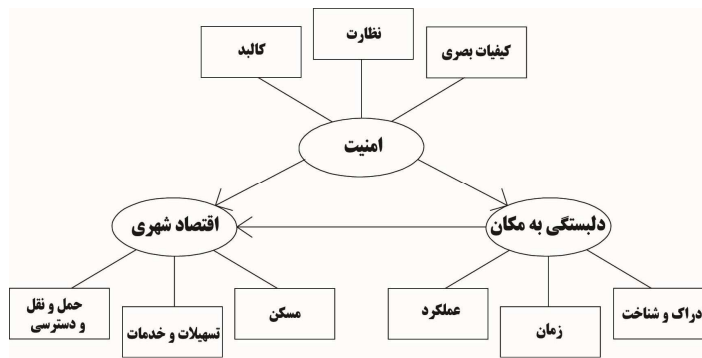
اقتصاد شهری، علمی است که به مطالعه اقتصادی مناطق شهری می‌پردازد و شاخه‌ای از اقتصاد خرد است که بر مبنای تقاطع جغرافیا و اقتصاد تعریف می‌شود (Hart, 2010). این علم، ساختار فضایی شهر و مکان‌گزینی مسکونی خانوارها و موسسات اقتصادی را مورد مطالعه قرار می‌دهد (Colin, 1951). خانوارها انتخاب‌های خود را به‌منظور حداکثر کردن مطلوبیت و تامین خواسته‌هایشان شکل می‌دهند و برای کسب رضایتمندی از محیط مسکونیشان، دست

به‌جابه‌جایی می‌زنند. این جابه‌جایی که به‌دلایل و انگیزه‌های فردی، اجتماعی و اقتصادی صورت می‌گیرند، نقش عمده‌ای در شکل‌گیری یا تغییر ساختار فضایی شهر، ایفا می‌کنند و یکی از جنبه‌های پویایی شهر هستند (Bastanifar & Samet, 2004).

اقتصاد شهری را می‌توان به سه حوزه مرتبط با یکدیگر دسته‌بندی کرد که عبارتند از: حمل و نقل و دسترسی: حمل و نقل شهری، یکی از موضوعات اقتصاد شهری است، زیرا بر توانایی دسترسی مکان‌های مختلف، تأثیر گذاشته و از آن طریق نیز بر الگوهای کاربری اراضی در شهر تأثیر می‌گذارد. در این حوزه، برخی از راهکارها، برای حل مساله ازدحام شهری و نقش حمل و نقل عمومی در سیستم حمل و نقل شهری، بررسی می‌شوند (هادی زنوز، ۱۳۸۸). توسعه مبتنی بر حمل و نقل همگانی، نمونه‌ای از الگوهای توسعه شهری است که برای اولین بار در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم میلادی در آمریکا، استفاده شده است (نورمحمدزاده، ۱۳۸۵).

مسکن: انتخاب مسکن، به انتخاب مکان بستگی دارد؛ زیرا مسکن قابلیت جابه‌جایی ندارد (هادی زنوز، ۱۳۸۸). مسکن، محله و منطقه افراد، متغیرهای موثر بر کیفیت زندگی هستند و ابعاد مربوط به طبقه‌بندی اجتماعی را شکل می‌دهند و متأثر از اقتصاد شهری و سیاست‌های عمومی می‌باشند (Schmitt, 2009). در این حوزه به بررسی این موضوع پرداخته می‌شود که چرا مسکن از دیگر کالاها متفاوت است و چگونه سیاست‌های مرتبط با بخش مسکن می‌توانند موثر واقع شوند، از طرفی دیگر، با رشد فزاینده شهرنشینی در چنددهه گذشته، مسکن به یکی از مهم‌ترین نیازهای جمعیت شهری تبدیل شده است (Biderman, 1974) و شهرها به‌عنوان بستر زیست بشر، نقش اساسی در ایجاد رضایتمندی دارند. مسکن بر شاخص‌های مهم برنامه‌ریزی، مانند کیفیت زندگی، نرخ جابه‌جایی و پیش‌بینی تقاضای مسکن تأثیر می‌گذارند (Djebuarni & Al-Abed, 2000).

تسهیلات و خدمات: مبحث دیگری که در مطالعات اقتصاد شهری به آن توجه شده و تحقیقات نسبتاً گسترده‌ای در آن زمینه انجام شده است، موضوع تسهیلات شهری (کتابخانه‌های عمومی، خدمات پلیس، آتش‌نشانی، بیمارستان و مدارس) است. بسیاری از این تسهیلات می‌توانند خصوصی یا عمومی باشند، اما اشتراک همه آنها این است که مکان‌ها یا محل‌های تولید آنها، شبکه‌ای فضایی به‌وجود می‌آورند که دسترسی آسان به آن مکان‌ها، ارزشمند است (هادی زنوز، ۱۳۸۸). توزیع خدمات در شهرها که نتیجه بارز جدایی‌گزینی اکولوژیک است، بر توزیع فضایی جمعیت در مناطق و نواحی شهری، تأثیرگذار است. در نتیجه، توزیع مناسب و بهینه امکانات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و بهداشتی در میان مناطق و نواحی، یکی از مهمترین عوامل جلوگیری از نابرابری‌ها و شکاف توسعه و توزیع فضایی مناسب جمعیت در پهنه سرزمین است (Marcotullio, 2001).



شکل ۲: مدل نظری تحقیق، ماخذ: نگارندگان

روش تحقیق

روش اجرای پژوهش، غیرآزمایشی و طرح پژوهش از نوع طرح‌های همبستگی مبتنی بر تحلیل مسیر است. جامعه آماری تحقیق ساکنین شهر قم هستند و به‌منظور سنجش ارتباط در بین جامعه نمونه، از مطالعات میدانی (فن پرسشنامه) استفاده شده است. برای تعیین حجم نمونه از تکنیک کوکران استفاده شده (حافظ نیا، ۱۳۹۰، ۷۸) و تعداد پرسش‌نامه در سطح شهر توزیع شده است. به جهت تعیین پایایی تحقیق از آلفای کرونباخ بهره برده شده و پایایی هر سه پرسشنامه امنیت، دل‌بستگی به مکان و اقتصاد شهری به ترتیب ۰.۷۷، ۰.۸۲، ۰.۷۹ می‌باشند.

یافته‌های تحقیق

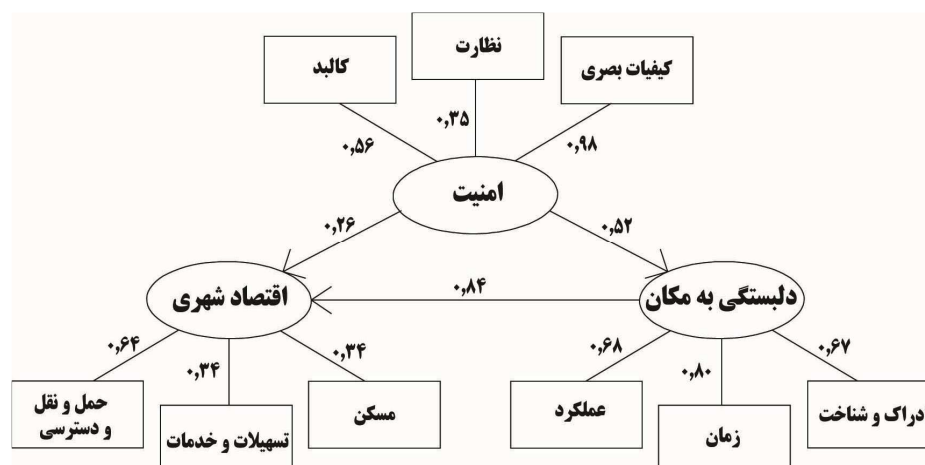
باتوجه به اینکه مبنای تجزیه و تحلیل الگوهای علی، ماتریس همبستگی است. ماتریس همبستگی، میانگین و انحراف معیار متغیرهای مورد بررسی، در جدول زیر ارائه شده است.

جدول ۱. ماتریس همبستگی، میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش

| متغیر | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ | ۵ | ۶ | ۷ | ۸ | ۹ | ۱۰ | ۱۱ | ۱۲ |
|------------------|-------|------|------|------|------|------|------|------|-------|------|------|------|
| امنیت | ۱ | | | | | | | | | | | |
| کیفیات بصری | ۰.۸۳ | ۱ | | | | | | | | | | |
| نظارت | ۰.۵۹ | ۰.۲۹ | ۱ | | | | | | | | | |
| کالبد | ۰.۹۱ | ۰.۶۵ | ۰.۳۳ | ۱ | | | | | | | | |
| دل‌بستگی به مکان | ۰.۴۴ | ۰.۳۸ | ۰.۴۲ | ۰.۳۱ | ۱ | | | | | | | |
| ادراک و شناخت | ۰.۳۹ | ۰.۳۴ | ۰.۳۲ | ۰.۳۰ | ۰.۷۷ | ۱ | | | | | | |
| زمان | ۰.۳۰ | ۰.۲۴ | ۰.۳۲ | ۰.۲۰ | ۰.۸۵ | ۰.۴۸ | ۱ | | | | | |
| عملکرد | ۰.۴۰ | ۰.۳۶ | ۰.۳۷ | ۰.۲۷ | ۰.۷۶ | ۰.۴۴ | ۰.۴۴ | ۱ | | | | |
| اقتصاد شهری | ۰.۵۴ | ۰.۴۳ | ۰.۳۷ | ۰.۴۸ | ۰.۵۷ | ۰.۴۴ | ۰.۴۶ | ۰.۴۷ | ۱ | | | |
| مسکن | ۰.۴۶ | ۰.۴۵ | ۰.۲۸ | ۰.۳۶ | ۰.۵۱ | ۰.۳۹ | ۰.۳۸ | ۰.۴۵ | ۰.۸۲ | ۱ | | |
| تجهیزات و خدمات | ۰.۳۶ | ۰.۲۱ | ۰.۴۱ | ۰.۲۸ | ۰.۴۵ | ۰.۳۵ | ۰.۳۶ | ۰.۳۷ | ۰.۶۵ | ۰.۳۱ | ۱ | |
| حمل و نقل | ۰.۳۴ | ۰.۲۲ | ۰.۱۳ | ۰.۳۸ | ۰.۲۷ | ۰.۲۰ | ۰.۲۵ | ۰.۱۸ | ۰.۴۸ | ۰.۳۰ | ۰.۲۳ | ۱ |
| M | ۵۶۸۵ | ۱۴۲۲ | ۱۹۳۵ | ۲۳۲۶ | ۳۷۴۹ | ۹۶۰ | ۱۴۹۶ | ۱۲۹۲ | ۷۱۳۳ | ۳۳۴۲ | ۲۳۰۵ | ۱۴۸۴ |
| SD | ۱۱.۱۷ | ۴.۱۶ | ۳.۲۹ | ۶.۳۴ | ۵.۵۶ | ۱.۹۹ | ۲.۸۲ | ۲.۱۴ | ۱۰.۸۰ | ۶.۲۱ | ۳.۹۷ | ۴.۵۵ |

p<0/01

همانطور که در جدول مشاهده می‌شود از میان متغیرهای پژوهش به ترتیب دل‌بستگی به مکان (۰.۵۷) و امنیت (۰.۵۴) دارای بالاترین ضریب همبستگی با اقتصاد شهری دارند. $p < 0.01$.
 شکل ۳ الگوی برازش شده پیش‌بینی متغیر اقتصاد شهری را نشان می‌دهد.



شکل ۳: مدل برازش شده تحقیق

مطابق با شکل ۳، کلیه مسیرها معنادارند (۰.۰۱). در میان متغیرهای موجود در الگو دل‌بستگی به مکان (۰.۴۱) بیشترین اثر مستقیم را بر اقتصاد شهری دارد. مشخصه‌های برازندگی الگوی تحلیل مسیر در جدول ۲ آورده شده است.

جدول ۲. مشخصه‌های برازندگی الگوی تحلیل مسیر

| CFI | AGFI | GFI | RMSEA | χ^2/df |
|-----|------|------|-------|-------------|
| ۱ | ۰.۹۵ | ۰.۹۹ | ۰.۰۰۱ | ۰.۸۷ |

بر اساس جدول ۲ نسبت خوبی دو به درجه آزادی ($\chi^2/df = 0.87$)، شاخص نکویی برازش ($GFI = 0.99$)، شاخص تعدیل شده نکویی برازش ($AGFI = 0.95$)، و ریشه خطای میانگین مجذورات تقریب ($RMSEA = 0.001$) در سطح مناسبی است. بنابراین برازش الگوی پیش‌بینی ارزیابی اقتصاد شهری در سطح مناسبی است. در جدول ۳ ضرایب اثر مستقیم، غیرمستقیم، کل، واریانس تبیین شده و سطح معناداری بین متغیرهای پژوهش آورده شده است.

جدول ۳. برآورد ضرایب معیار شده اثر مستقیم، غیرمستقیم، کل و واریانس تبیین شده الگو

| مسیر | اثر مستقیم | اثر غیرمستقیم | اثر کل | واریانس تبیین شده |
|----------------------------------|------------|---------------|--------|-------------------|
| به روی اقتصاد شهری از امنیت | ۰.۲۶ | ۰.۴۳ | ۰.۶۹ | ۰.۴۳ |
| به روی دل‌بستگی به مکان از امنیت | ۰.۵۲ | - | ۰.۵۲ | ۰.۲۵ |

$p < 0/01$

همانطور که در جدول شماره ۳ مشاهده می‌شود بین امنیت و اقتصاد شهری یک رابطه مستقیم ($t=2.88, \beta=0.258$)، یک رابطه غیرمستقیم ($t=4.17, \beta=0.434$) و رابطه کلی ($t=7.81, \beta=0.692$) وجود دارد. بین دل‌بستگی به مکان و اقتصاد شهری یک رابطه مستقیم ($t=5.81, \beta=0.84$) و رابطه کلی ($t=5.82, \beta=0.84$) وجود دارد و نیز مشاهده می‌شود که بین امنیت و دل‌بستگی به مکان ($t=6.15, \beta=0.516$) یک رابطه مستقیم و یک رابطه کلی ($t=6.11, \beta=0.516$) وجود دارد که همه این روابط از نظر آماری در سطح $p < 0.01$ معنادار است.

نتیجه‌گیری

باتوجه به این که به نظر می‌رسد امنیت فضاهای شهری بر دل‌بستگی این مکان و هردوی آن با اقتصاد شهری در ارتباط می‌باشد، هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه امنیت، دل‌بستگی به مکان با اقتصاد شهری با استفاده از تحلیل مسیر بود. عوامل تاثیرگذار در افزایش امنیت فضای شهری (کیفیات بصری، نظارت و کالبد)، دل‌بستگی به مکان (ادراک و شناخت، عملکرد و زمان) و اقتصاد شهری (مسکن، تسهیلات و خدمات و حمل‌ونقل و دسترسی) دسته‌بندی شده و نتایج تحلیل مسیر نشان داد که الگوی پیشنهادی با داده‌های این پژوهش برازش نسبتاً خوبی دارد و می‌تواند ۴۳ درصد از واریانس ارزیابی حل مسئله را تبیین کند. یافته‌های تحقیق حاکی از آن دارد که امنیت بر اقتصاد شهری اثر مستقیم و غیرمستقیم دارد. بین دل‌بستگی به مکان و اقتصاد شهری رابطه مستقیم وجود دارد. هم‌چنین میان امنیت و دل‌بستگی به مکان رابطه مستقیم وجود داشته و ۲۵ درصد واریانس راهبردهای دل‌بستگی به مکان را پیش بینی می‌کند. یافته‌های دیگر تحقیق حاکی از آن دارد که در میان مولفه‌های سنجیده شده تاثیرگذارترین مولفه امنیت، کیفیات بصری (۰.۹۸)؛ دل‌بستگی به مکان، زمان (۰.۸۰)؛ و اقتصاد شهری، حمل و نقل و دسترسی (۰.۶۴) می‌باشد. لذا آنچه که از این تحقیق بدست می‌آید این است که با پیشنهادات و برنامه‌ها در راستای ارتقای اقتصاد شهری، از طریق افزایش امنیت و تقویت حس دل‌بستگی به مکان به آن دست خواهیم یافت.

کتابشناسی

۱. ایزدی، محمدسعید؛ حتی، محمدرضا (۱۳۹۴)، ارتقای احساس امنیت در فضاهای عمومی با بهره‌گیری از طراحی شهری، نمونه مطالعه: میدان امام شهر همدان، نشریه هنرهای زیبا، دوره ۲۰، شماره ۲؛
۲. جوان‌فروزنده، علی؛ مطلبی، قاسم (۱۳۸۹)، مفهوم حس تعلق به مکان و عوامل تشکیل‌دهنده آن، نشریه هویت شهر، شماره ۸؛
۳. حسینی، سیدباقر؛ کاملی، محسن (۱۳۹۲)، تحلیل مکانی کانون‌های وقوع جرائم نزاع، درگیری و شرارت با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی، مطالعه موردی: شهر قم، سال پانزدهم، شماره سوم؛
۴. حیدری، علی‌اکبر؛ مطلبی، قاسم؛ نکویی‌مهر، فاطمه (۱۳۹۳)، بررسی نحوه ارتباط میان دو مفهوم حس مکان و دل‌بستگی به مکان در خوابگاه دانشجویان، نشریه هنرهای زیبا، دوره ۱۹، شماره ۱؛
۵. طالبی، ژاله (۱۳۸۳)، روابط اجتماعی در فضاهای شهری، مجله مدیریت شهری، شماره ۹، حشمتی،
۶. محمد (۱۳۸۲)، فضای قابل دفاع، استراتژی طراحی شهری برای پیشگیری و کاهش جرایم، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی؛
۷. فیالکون، یانکل (۱۳۸۲)، جامعه‌شناسی شهری، ترجمه نیک‌گهر، عبدالحسین نشر آگه؛

۸. کاملی، محسن؛ بذرگری، سامان (۱۳۹۴) بررسی امنیت محیطی در مناطق شهری، مطالعه موردی: مناطق ۷ و ۸ قم، فصلنامه دانش انتظامی، سال هفدهم، شماره سوم؛
۹. کوزنز، پل (۱۳۹۵)، فکر جرم! استفاده از شواهد و نظریات پیشگیری جرم از طریق طراحی محیطی برای برنامه‌ریزی شهرهای امن‌تر، ترجمه محسن کاملی، معاونت پیشگیری از جرم قوه قضاییه، تهران؛
۱۰. مویدی، محمد و همکاران (۱۳۹۲)، بررسی نقش مولفه‌های منظر شهری در ارتقای سطح امنیت در فضاهای عمومی شهری، مطالعه موردی: محله اوین تهران، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۳۵؛
۱۱. نظری، احسان (۱۳۸۹)، راههای مشارکت مردم در افزایش امنیت اجتماعی، ماهنامه دادرسی، شماره ۷۹؛
۱۲. نورمحمدزاده، حسین (۱۳۸۵)، تعیین و تبیین هدف در برنامه‌ریزی شهر، مجله هنرهای زیبا، شماره ۲۶؛
۱۳. هادی زنور، بهروز (۱۳۸۸)، مفهوم و ابعاد اقتصاد شهری درآمدی بر اقتصاد شهری، فصلنامه اقتصاد شهر، شماره اول؛
۱۴. الیاس‌زاده مقدم، سیدنصرالدین؛ ضابطیان، الهام (۱۳۸۹)، بررسی شاخص‌های برنامه‌ریزی شهری موثر در ارتقای امنیت زنان در فضاهای عمومی با رویکرد مشارکتی، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۴۴؛

15. Altman, I., Low, S. (1992), *Place attachment*. New York: Plenum Press;
16. Bastanifar, I., Samet, M. (2004), an inquiry of Green Tax effect on decreasing of air position of Isfahan province, GIAN international symposium & workshop, Isfahan university;
17. Biderman, A. D. (2012), Social indicators. In: Clemet, Robert L. and Olson, Jerry C. Whence and Whither in Social Indicators and Marketing Chicago: American Marketing Association;
18. Blobaum, A.; Hunecke, M (2005), Perceived danger in urban public space-The Impacts of Physical Features and Personal Factors, *Environment and Behavior*, Vol. 37, PP. 465-48;
19. Bonaiuto, M. et al (1999), Multidimensional environment quality and neighborhood attachment. *Urban Environment*, (19): 331-352;
20. Canter, D. (1977), *the Psychology of Place*, London: Architectural Press;
21. Colin, Clark. (1951), Urban Population Densities, *Journal of the Royal Statistical Society. Series A (General)*, 222(2), 270-272;
22. Cooper, M. C. (1974), The house as symbol of the self, In J. Lang, C. Burnett, W;
23. Cozens, P. M.; Saville, G.; Hillier, D (2005), Crime prevention through environmental design (CPTED): a review and modern bibliography, *Journal of Property Management*, Vol. 23, pp. 328-356.
24. Dan Fleisher and Fred Heinemann, (1996), "Crime Prevention through Environmental Design and Community Policing", Washington, DC: US Department of Justice, August, PP.34_41;
25. Djebuarni, R., Al-Abed, A. (2000), Satisfaction Level with Neighbourhood in Low- Income Public Housing in Yemen;
26. Hart, Ch. (2010), *Legacy of the Chicago School of Sociology*. isbn 7192705 792225 lulu.com/7329221;
27. Jordon, J. (1994), *Technical Difficulties*. Boston: Beacon Press;
28. Kaplan, S (1995), the restorative benefits of nature: Toward an integrated framework, *Journal of Environmental Psychology*, 15, 169-182;
29. Low, S. M & Altman, I (1992), Place attachment: a conceptual inquiry, In Relph, E (1976), *Place and Placelessness*, Pion, London;
30. Marcotullio, P.J. (2001), *Asian Urban Sustainability in the era of globalization* united Nation University, Institute of Advanced Studies, Tokyo, Japan;
31. Park, H (2010), Designing out Crime in South Korea: Qualitative Analysis of Contemporary CPTED-Related Issues, *Asia Pacific Journal of Police & Criminal Justice*, Vol. 8 No. 2, pp. 21-48;
32. Proshansky, Harold M., Abbe K. Fabian, and Robert Kaminoff. 1983. "Place-Identity: Physical World Socialization of the Self." *Journal of Environmental Architecture and Urban Planning* 38: 37-48;
33. Relph, E (1976), *Place and Placelessness*, Pion, London;
34. Riley, R (1992), Attachment to the ordinary landscape, In I. Altman and S. Low (Eds.), *Place attachment*, Plenum Press, New York;

35. Rubinstein, R. L & Parmelee, P. A (1992), Attachment to place and representation of life course by the elderly, Plenum Press, New York;
36. Schmitt, R.B. (2009), Considering Social Cohesion in Quality Of Life Assessments: Concepts and Measurement, *Social Indicators Research*, 59(2-2);
37. Stedman, R.C(2003), Sense of place and forest science: toward a program of quantitative research, *Forest Science*, 49, 1-8;
38. Timothy, C. O (2006), Physical Deterioration, Disorder, and Crime, *Criminal Justice Policy Review*, Vol. 17, pp. 173-187;
39. Tuan, Y. F(1979), Space and place: humanistic perspective, In: *Philosophy in Geography*, pp. 387-427, S. Gale and G. Olson (Eds). D. Reidel, Dordrecht;
40. Tuan, Y.F(1980), Rootedness versus sense of place, *Landscape*, 24, 3- 8.